

آخرین سکنس زندگی خالق «دایی جان ناپلئون»
وداع با مردی
که سینما را زندگی کرد

● ناصر تقوایی، فیلمساز مولف ایران در ۸۴ سالگی درگذشت
● همراه با یادداشت‌هایی از بهروز افخمی، سهیل محمودی و ایلیا محمدی

صفحه ۵

درباره نهضت ملی مسکن در ایران که از عدالت اجتماعی به پروژه‌های تجاری تغییر وضعیت داده است

خانه‌دار شدن با اقساط میلیاردي

افزایش چهار برابری آورده متقاضیان، تاخیرهای چندساله در اجرا و بی‌اثری در کنترل بازار مسکن؛ نهضت ملی را از مسیر حمایت اجتماعی خارج کرده است

نهضت ملی مسکن با هدفی دوگانه از سوی دولت راهاندازی شد؛ کمک به خانه‌دار شدن دهک‌های پایین جامعه و مهار نوسانات افسار گسیخته بازار مسکن. اما آنچه امروز در عمل مشاهده می‌شود، فاصله‌ای عمیق میان اهداف اعلام‌شده و واقعیت‌های اجرایی است. قیمت واحدهای نهضت ملی مسکن به‌قدری افزایش یافته که آورده متقاضیان از ۳۰۰ میلیون تومان اولیه به بیش از ۱.۲ میلیارد تومان رسیده است. این افزایشی چهار برابری که عملاً بسیاری از متقاضیان را از ادامه مسیر بازداشته و طرح را از دسترس اقشار هدف خارج کرده است.

صفحه ۲

گزارشی از بازار کار ایران که با داده‌های ناقص مدیریت می‌شود و سامانه شغلی یکپارچه می‌تواند شفافیت و عدالت مالیاتی ایجاد کند
نقشه مبهم اشتغال ایران
میلیون‌ها شاغل غیر رسمی بدون ثبت؛ عدالت مالیاتی و رفاه اجتماعی را تهدید می‌کند

صفحه ۲

مسیر تازه یوتیوب برای پول‌سازی از کانال‌های کوچک
یوتیوب درهای ثروت را گشود
شرایط مانیتایز در یوتیوب ساده‌تر شده و حالا کانال‌های کوچک هم می‌توانند با ۵۰۰ دنبال‌کننده وارد برنامه درآمدزایی شوند

صفحه ۴

نگاهی به تاریخ، فرهنگ و هویت کرج؛ شهری که زیر سایه تهران با چالش‌ها و فرصت‌ها روبه‌رو است

شهری در میان
برج‌ها و دود

صفحه ۶

ایمنی فقط با
تصمیم‌های فراسازمانی

بازار گل محلاتی و ورزشگاه تختی در منطقه ۱۴ تهران ناایمن‌اند؛ ضرورت ورود شهرداری، سازمان مدیریت بحران و نوسازی بافت فرسوده فوری است

صفحه ۶

افزایش هفتگی قیمت غذا
آرامش کوتاه رستوران‌ها را برهم زده است

طعم تلخ تورم در منوی پاییزی

رشد اجاره مغازه‌ها و قیمت مواد اولیه، سهم سود رستوران‌داران را به زیر ده درصد رسانده و برخی را به زیان‌دهی کشانده است

صفحه ۴

بازیکنان تیم ملی ایران در زمین ارتباط کافی برقرار نمی‌کنند، همان مشکلی که میکل آرتاسر مربی آرسنال با آن مواجه است

تمرین آرسنال با خلبانان جنگنده

صفحه ۷

گزارش

بازگشت شاهزاده بیابان به خانه‌اش

تجربه موفق ملی احیای گونه‌های در معرض تهدید مانند آهوی جیبر نشان می‌دهد که طبیعت و صنعت می‌توانند همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند

جیبر همچنان با چالش‌هایی روبه‌رو است. توسعه ساخت‌وساز در حریم پارک ملی ناپبند، خشکسالی‌های مکرر و تهدیدهای زیستگاهی از عوامل اصلی تهدید پایداری جمعیت این گونه هستند. کارشناسان معتقدند که استمرار موفقیت نیازمند همکاری گسترده بین سازمان‌های دولتی، جوامع محلی، صنایع و نهادهای مردمی، پایش مداوم زیستگاه و فناوری‌های نوین است.

درس‌های تجربه ملی

احیای آهوی جیبر نشان می‌دهد که حتی در مناطقی که فشار توسعه صنعتی وجود دارد، می‌توان با مدیریت علمی، تعامل بین‌بخشی و مشارکت مردمی، تعادل میان توسعه و حفاظت را برقرار کرد. این پروژه نمونه‌ای موفق است که می‌تواند الگویی ملی برای تلفیق توسعه و حفاظت محیط زیست باشد.

پارک ملی دریایی ناپبند امروز نمادی از همزیستی طبیعت و صنعت است. جایی که آهوی جیبر دوباره می‌رقصد و انسان‌ها یاد می‌گیرند چگونه با احترام به طبیعت، آینده‌ای پایدار بسازند. اگر مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی در سیاست‌های صنعتی، منطقه‌ای و ملی نهادینه شود، ناپبند و آهوی جیبر نه تنها داستانی موفق در سطح کشور خواهند بود، بلکه جایگاهی شایسته در برنامه‌های بین‌المللی حفاظت از تنوع زیستی پیدا خواهند کرد.

رقص جیبر در ناپبند، داستان بازگشت گونه‌ای ارزشمند به خانه‌اش است. نمادی از همکاری انسان، صنعت و طبیعت و درسی برای نسل‌های آینده که حفاظت از محیط زیست و توسعه اقتصادی می‌تواند همزمان و هماهنگ باشند. این تجربه ملی اثبات کرد که وقتی علم، تعهد و مسئولیت اجتماعی به هم پیوند بخورند، حتی گونه‌های در معرض تهدید نیز می‌توانند دوباره زندگی و امید را تجربه کنند.

یادداشت

اقتصاددانی از شیکاگو؛ اما وزیری محافظه کار

ببر کاغذی

مهدی خاکی فیروز
دبیر اقتصاد

وقتی نام سیدعلی مدنی‌زاده به عنوان وزیر اقتصاد دولت چهاردهم مطرح شد، امیدها بالا رفت. بیش از سوابق علمی و اجرایی او، به واسطه تحصیلاتش در دانشگاه شیکاگو، جایی که شجاعت اقتصادی و استقلال بانک مرکزی از اصول غیرقابل‌چالش مکتب اقتصادی آن محسوب می‌شود، تصور عمومی بر این بود که مدنی‌زاده، این اقتصاددان جوان و آکادمیک، پس از تجربه آکادمیک خود، نسیمی از عقلانیت و جسارت اقتصادی را به وزارت اقتصاد ایران خواهد آورد. اما آنچه رخ داد، چیزی جز سایه‌ای محافظه‌کارانه از تئوری شیکاگو نبود.

شیکاگویی که وعده شجاعت می‌داد

قبل از ورود به کابینه، مدنی‌زاده چهره‌ای شناخته‌شده در محافل علمی بود و مقالات و سخنرانی‌هایش نشان می‌داد که با مفاهیم پیشرفته اقتصاد کلان و سیاست پولی آشناست. او بارها بر اصلاحات ساختاری، شفاف‌سازی نظام مالیاتی و کنترل تورم تأکید می‌کرد و بر اهمیت کاهش مداخلات بی‌رویه دولت در بازارها یا فشارهای داشت. در همان دوران، او به صراحت از رانت‌های ارزی و سیاست‌های دستوری انتقاد می‌کرد و بر لزوم استقلال بانک مرکزی تأکید داشت. چنین مواضعی، از نظر کارشناسان، نشانه‌ای از شجاعت اقتصادی او بود. شجاعتی که قرار بود در مقام وزیر اقتصاد به عمل تبدیل شود. اما آنچه بعدها مشاهده شد، فاصله‌معداری میان تئوری و عمل بود.

انتظار شجاعت در برابر رانت‌ها و نهادهای قدرتمند

با توجه به پیشینه مدنی‌زاده، فعالان اقتصادی، کارشناسان و حتی رسانه‌ها انتظار داشتند که او اصلاحات جدی اعمال کند. شفافیت در سیاست‌های ارزی و پولی و کاهش مداخلات بی‌رویه دولت در بازارها، همه چشم‌ها به او دوخته شده بود تا پلی میان عقلانیت علمی و سیاست‌گذاری عملی ایجاد کند. انتظار عمومی این بود که او شجاعت‌ها را با ساختارهای قدرت

رو به‌رو شود و با اتخاذ تصمیمات جسورانه، اقتصاد ایران را از رکود و نوسانات بی‌پایان خارج کند. نام «مدنی‌زاده» در محافل اقتصادی به شجاعت و عملکردی مترادف شده بود. انتظاری که در عمل به دلایل گوناگون، تحقق نیافت.

تفاوت معنادار با پیش‌بینی‌ها

اما واقعیت پس از انتصاب، تفاوت معناداری با پیش‌بینی‌ها داشت. سیاست‌های ارزی و پولی کشور همچنان در اختیار رئیس کل بانک مرکزی بود و تصمیمات مهم بدون هماهنگی با وزارت اقتصاد اتخاذ می‌شد. وزیر اقتصاد حالا در برابر ساختارهای قدرت سکوت اختیار کرد و به انتقادهای مختصر و جسته‌گریخته رسانه‌ای بسنده نمود. بحران ارزی اخیر نمونه‌ای آشکار از محافظه‌کاری او بود. بازار ارز که در اثر سیاست‌های متناقض بانک مرکزی نوسانات شدیدی داشت، نیازمند تصمیمات فوری و جسورانه بود. اما وزیر اقتصاد ترجیح داد به مواضع رسانه‌ای محدود بماند. اظهارنظرهایی که بیشتر به یادداشت‌های دانشگاهی شبیه بود تا اصلاحات عملی. این محافظه‌کاری موجب شد اصلاحات اقتصادی به تأخیر افتد و اعتبار وزارت اقتصاد در تصمیم‌های کلان اقتصادی کشور کاهش یابد.

تضاد میان مدرک و عمل

مدنی‌زاده، از شیکاگو آمده بود؛ اما به نظر می‌رسد شجاعت اقتصادی‌اش در دفتر دانشگاه جا مانده است. او بیشتر شبیه یک «ببر کاغذی» عمل می‌کرد؛ وزیری با مدرک معتبر، اما فاقد توان واقعی برای اصلاحات اقتصادی. این تضاد میان آموزش دانشگاهی و واقعیت‌های سیاسی-اقتصادی ایران، پیام روشنی به جامعه اقتصادی ارسال کرده است: «اگر حتی شیکاگویی‌ها هم نمی‌توانند شجاعت داشته باشند، پس ما چه توقعی داریم؟»

این وضعیت اصلاحات اقتصادی را به تأخیر انداخت و اعتماد عمومی و ریسک سرمایه‌گذاری را نیز تحت تأثیر قرار داد. محافظه‌کاری بیش از حد وزیر اقتصاد، اقتصاد کشور را در وضعیتی شکننده نگه داشته است.

نقد عملکرد و متلک‌های سیاسی

از منظر سیاسی، محافظه‌کاری مدنی‌زاده قابل تحلیل

گزارشی از بازار کار ایران که با داده‌های ناقص مدیریت می‌شود و سامانه شغلی یکپارچه می‌تواند شفافیت و عدالت مالیاتی ایجاد کند

نقشه مبهم اشتغال ایران

میلیون ها شاغل غیر رسمی بدون ثبت؛ عدالت مالیاتی و رفاه اجتماعی را تهدید می کند



خواهد داشت و اطلاعات او به نهادهای مرتبط (تامین اجتماعی، مالیات، بیمه سلامت، آموزش فنی و حرفه‌ای و غیره) متصل می‌شود. با چنین سازوکاری، دولت می‌تواند به جای مجازات فعالیت‌های غیررسمی، آن‌ها را به صورت تدریجی وارد چارچوب قانونی کند و از این طریق، پوشش بیمه‌ای و مالیاتی را گسترش دهد.

پوند با تحول دیجیتال در حکمرانی

یکی از اهداف کلان دولت‌ها در دهه اخیر، دولت الکترونیک و حکمرانی داده‌محور است. اما دولت الکترونیک بدون داده منسجم، چیزی جز یک شعار است؛ یا گاه شغل اشخاص حقیقی، می‌تواند چیزی از دست‌آورد اصلی دولت قوی‌تر شود. این سامانه باید به گونه‌ای طراحی شود که داده‌های خود را از منابع متعدد، مانند سامانه مالیاتی، بیمه‌ای، بانکی، ثبت احوال، مجوزهای صنفی و پلتفرم‌های اشتغال به صورت خودکار به‌روزرسانی کند. با تجمع و تحلیل این داده‌ها، دولت می‌تواند از مرحله واکنش‌پذیری به مرحله پیش‌بینی‌گری برسد؛ یعنی پیش از وقوع بحران ایجاب‌گری، تغییرات بازار کار را تشخیص دهد و سیاست مناسب اتخاذ کند.

در تجربه سایر کشورها

پادشاه را و بیمه‌ای او را در خود نگه می‌دارد. در هند، سامانه Padhaar به‌عنوان یک شناسه ملی دیجیتال، به پایگاه اشتغال متصل شده و میلیون‌ها کارگر غیر رسمی را وارد نظام حمایت اجتماعی کرده است. ایران نیز با بازساخت‌هایی چون کد ملی، سامانه کارا، بیمه تأمین اجتماعی و پایگاه رفاه ایرانیان، ظرفیت فنی لازم را دارد. تنها حلقه مفقوده، یکپارچگی و الزام قانونی است؛ یعنی وجود سامانه‌ای مرکزی که همه دستگاه‌ها را موظف کند داده‌های خود را به‌صورت منظم به اشتراک بگذارد. طبیعی است که ایجاد چنین سامانه‌ای با چالش‌هایی همراه خواهد بود.

استفان و رفاه اجتماعی ایران باشد. دولت می تواند یارانه و تسهیلات را به صورت هوشمند و هدفمند تخصیص دهد. بانکها می توانند با استعاضا و ضمیمه تسهیلاتی افراد، تسهیلات کسب و کار، کسب و کار را اعطا کنند. سازمان مالیاتی می تواند نظامی عادلانه و تدریجی برای مؤدیان جدید طراحی کند. بیمه های می تواند گروه های جدیدی از فعالان غیر رسمی را وضعیت اشتغال کشور در اختیار برنامه ریزان قرار می گیرد.

در شرایطی که بیش از یک سوم اشتغال کشور در بخش غیررسمی جریان دارد و سیاست گذاری اقتصادی با داده های ناقص و تخمینی انجام می شود، ایجاد سامانه یکپارچه شغل اشخاص حقیقی به ضرورتی ملی بدل شده است

ایجاد سامانه یکپارچه شغل اشخاص حقیقی می تواند به یکی از پایه های اطلاعاتی واحد اطلاعات مالی تبدیل شود و امکان تحلیل تطبیقی داده ها را برای کشف الگوهای غیر عادی فراهم کند. با توجه به این نیاز اطلاعاتی، ماه ۱۴۰۳ قانون مبارزه با پولشویی ایجاد «پایگاه یکپارچه به اطلاعات شغلی اشخاص حقیقی اعم از ایرانی و خارجی» جهت تکلیف قانونی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می باشد. این سامانه در ماه ۱۴۰۳ این آیین نامه به ضرورت ایجاد آن تأکید شده است به نحوی نقش آن در سراسر این آیین نامه مطرح شده است که رکن اساسی «ریسک شناسایی مشتری» در پرتو ایجاد سازوکار این پایگاه اطلاعاتی می باشد. در واقع، این سامانه نه فقط ابزار اشتغال، بلکه جابجای شغلی حکمرانی هوشمند و شفاف سازی اقتصاد ملی است که به تسلط دولت را بر داده حکمرانی خود افزایش دهد.

عداالت اجتماعی و سیاست‌های رفاهی هدفمند

سیاسیاری از برنامه‌های حمایتی دولت، به دلیل فقدان داده دقیق درباره وضعیت شغلی افراد، به هدف نمی‌رسند. برای مثال، بارانه با تسهیلات اشتغال‌زایی آگاه به فکلی تا غلق می‌گیرد که هیچ نیاز واقعی ندارند، در حالی که کارگران کسانی با مشاغل بی‌ثبات از این حمایت‌ها محروم می‌مانند. اگر سامانه‌ای یکپارچه وجود داشته باشد که هر فرد در آن با شغل، مهارت، منطقه جغرافیایی، سابقه بیمه و میزان درآمدش ثبت شود، می‌توان سیاست‌های حمایتی را دقیق و عادلانه اجرا کرد. چنین زیرساختی حتی برای برنامه‌ریزی در شرایط بحرانی مانند همه‌گیری کرونا یا برایای طبیعی، حیاتی است؛ زیرا داده‌های دقیق می‌داند چه کسانی از تعطیلی یا بارکود آسیب می‌بینند و چه کسانی نیازمند کمک فوری‌اند.

سامان‌دهی بازار کار غیر رسمی

طبق برآوردها، بیش از ۲۰ درصد اشتغال در ایران در بخش غیررسمی است. این رقم تنها نشانه ضعف نظام است، بلکه بیانگر ناکارآمدی بزرگ بر سر راه اشتغال محسوب می‌شود. کارگران بدون چرخه‌ای، مشاغل بدون مجوز و فعالیت‌های بدون استاندارد، چرخه‌ای مشخصی می‌تواند نتایج این امر را بر روی سامانه‌های بازار کار داشته باشد. بر فرد، بر صنعت، بر نوع فعالیت، بر این سامانه‌ها، بر یکت

ناصر غریب نژاد
هفت صبح

در سال‌های اخیر، ساختار حکمرانی اقتصادی و اجتماعی ایران به‌مرحله‌ای جدید رسیده است که دیگر نمی‌توان با داده‌های پراکنده، مشاغل نامشخص و آمارهای تخمینی، برای بازیگری «باطل» و «تصمیم‌گیری کرد و دراز شغل» به‌شیراط بدیده‌ها و رابطه که در صورت‌های جدیدی پدید آمده است، از یک سو با گسترش روزافزون «کسب و کارهای نوپا» و پدیده «کار مستقل» (ان امر مهم حقیقی در کشور، به‌ویژه در بخش غیررسمی، به‌سان رودخانه‌ای بی‌نقشه جریان دارد و فضای این بخش سلامت که برای کنترل اقتصاد رفتاری به‌آمار تخمینی نیاز می‌کند، میلیون‌ها نفر در مشاغل کوچک، خانگی یا واسطه‌ای فعالیت می‌کنند، بی‌آنکه هیچ نهاد رسمی بدانند چه می‌کنند)، قدرت درآمد دارد یا اصلاً در حوزه‌های فعلی اند. این وضعیت تنها منابع برنامه‌ریزی اقتصادی است، که به‌بستر برای ایران مالیاتی، فساد، سوءاستفاده از تسهیلات و حتی پول‌شویی و فراموشی پول‌شویی و تامین مالی تروریسم ریسک شناخت مشتری از جایگاه مهمی برخوردار است. در چنین شرایطی، ایجاد سامانه یکپارچه، مشغول اشخاص حقیقی نه‌یک انتخاب، بلکه ضروری می‌است؛ و ضرورتی برای نظم اقتصادی، عدالت مالیاتی، شفافیت اجتماعی و صورتی حتمی ملی.

۱ اقتصاد بدون نقشه، سیاست بدون داده

در هر اقتصاد، شناسایی دقیق نیروی کار و فعالیت‌های شغلی، امری برای تریب از حکمرانی است. اما در ایران، هنوز نمی‌دانیم چند نفر دقیقاً در چه حرفه‌ای فعالیت دارند. آمارهای رسمی از اشتغال، باز دارد. برای مثال، میلیون‌ها نفر در بازارهای خدماتی، واسطه‌گر می‌باشند. مشاغل ممتاز، مثل وکیل اینترنتی یا فروشنده‌های خانگی، داخل آمار هیچ در نمی‌آیند. آمارهای سازمانه‌های وزارت کار، نمایان اجتماعی یا سازمان مالیاتی وجود ندارد. نبود چنین داده‌هایی یعنی تصمیم‌گیری در ترازیک، سیاست‌گذار نمی‌داند کدام حوزه‌ها از رشد و توسعه محروم می‌شوند و کدام حوزه‌ها در حال رشدند. نتیجه، تخصیص نادرست منابع، اعطای تسهیلات بی‌هدف و افزایش شکاف طبقاتی است. ایجاد یک پایگاه داده ملی و یکپارچه برای مشاغل حقیقی می‌تواند همان نقشه گمشده بازار کار ایران باشد؛ نقشه‌ای که دولت، بخش خصوصی، بانک‌ها، بیمه‌ها و نهادهای نظارتی بتوانند با تکیه بر آن، سیاست‌های دقیق و همدستانه اتخاذ کنند.

❶ شفایمت، پیش شرط عدالت مالیاتی

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ساختار مالیاتی کشور، عدم شناسایی کامل مودیان حقیقی است؛ به گونه‌ای که ریسک خوداظهاری در شناسایی مودی مالیاتی همواره از درصد بالای زیرخورداری است. در حالی که صاحبان کسب و کارهای رسمی زیر ذره‌بین هستند و شروع و پایان هر سال مالی می‌تواند با جریمات از فعالیت‌های مالی و آزار و اذیت‌ها با بسیاری از شاغلان درآمدی با مجازای بدون هیچ گونه ثبت و نظارت مالیاتی می‌کند. سامانه یکپارچه شغل اشخاص حقیقی، در صورت اتصال به داده‌های مالی و بانکی و پیاده‌سازی می‌تواند تصویر شفافی از فعالیت اقتصادی هر شخص ارائه دهد. چنین سامانه‌ای تفاوت میان اشتغال واقعی و درآمد نامولد را آشکار می‌کند و از یک‌سو فشار مالیاتی بر تولیدکنندگان کوچک می‌شود و از سوی دیگر، بستر فرار مالیاتی و پولشویی را می‌بندد. به عبارت دیگر، این سامانه می‌تواند سنگ‌بنای عدالت مالیاتی باشد و از بسیاری تخلفات پیشگیری کند. عدالت که بدون شناسایی دقیق فعالیت‌های اقتصادی، تحقق آن ناممکن است.

مقابله با پولشویی و فساد ساختاری
در بسیاری از کشورها، یکی از ابزارهای کلیدی در مبارزه با پولشویی، رصد فعالیت شغلی اشخاص حقیقی است. اگر یک فرد ادعا می کند،

درباره نهضت ملی مسکن در ایران که از عدالت اجتماعی به پروژه‌ای تجاری تغییر وضعیت داده است

خانه دار شدن با اقساط میلیاردی

افزایش چهار برابری آورده متقاضیان، تاخیرهای چندساله در اجراء و بی‌اثری در کنترل بازار مسکن، نهضت ملی را از مسیر حمایت اجتماعی خارج کرده است



آزاد کلہر
ہفت صبح

با اعلام رسمی وزارت راه مبنی بر امکان بازگشت آورده برای متقاضیان که از این طرح پشیمان شده‌اند، وارد مرحله‌ای شده که بیش از آنکه نشان‌دهی از اصلاح یا پاسخ‌گویی باشد، به‌نوعی عقب‌نشینی از رسالت اجتماعی این پروژه تعمیر می‌شود. طرحی که قرار بود مامن خانواده‌های فاقد مسکن باشد و با کاهش فشار اجاره‌نشینی، عدالت در دسترسی به سرانه‌ها را محقق کند، حالا به نقشی رسیده که دولت به‌جای حل مشکلات، راه خروج را پیشنهاد می‌دهد.

این تصمیم، در ظاهر شاید نشانه‌ای از انعطاف‌پذیری باشد، اما در بطن خود، حاکی از فراموشی هدف اصلی نهضت ملی مسکن است؛ حمایت از دهک‌های پایین جامعه برای خانه‌دار شدن. در شرایطی که هزینه‌های اجاره مسکن به‌شدت افزایش یافته و بسیاری از خانوارها درگیر تأمین حداقل‌های زندگی هستند، بازگرداندن آورده به‌جای تسریع در ساخت و تحویل واحدها، نشان‌دهنده نگاه تجاری و غیرحمایتی وزارت راه به این پروژه است.

سیاست‌های مسکنی با روح قانون اساسی در تضاد است

از منظر قانون نیپز، این رفتار با قوانین اساسی در تضاد است. اصل ۳۱ قانون اساسی به صراحت تأکید دارد که «داشتن مسکن متناسب با نیاز» حق هر ایرانی است و دولت موظف است با اولویت اقبال نیازمندان، زمینه تحقق این حق را فراهم کند. اما آنچه در عمل دیده می‌شود، افزایش چندبرابری آورده متقاضیان، تأخیرهای طولانی در اجرا و فرایض پنهاندار گشت سرمایه، معالای نوظهور و به یک معامله مالی تقلیل داده است. افزایش آورده از ۳۰۰ میلیون به بیش از ۱۰۲ میلیارد تومان در کنار پیکمهای مکرر برای پرداخت اقساط سنگین، نه تنها فشار مالی بر متقاضیان دارد، بلکه تسهیلات بانکی و اعتباری منصرف کرده است. بالا با اعلام امکان بازگشت آورده، وزارت راه به جای اصلاح ساختار تأمین مالی، تسریع در اتصال پروژه‌ها به تسهیلات بانکی و ارائه رهنمای حمایتی، معالای به مسئولان را در دوش خود برداشته و آن را به مامورین فردی متقاضیان واگذار کرده است.

در چنین شرایطی، نهضت ملی مسکن به جای آنکه از ابزار برای تحقق عدالت اجتماعی باشد، به پروژه‌ای تبدیل شده که بگاه تجاری، تسخیر، بازاری‌های اجاره‌ای و فشار مالی، منتها به هدف خود نیز نرسد، بلکه بخشی از بحران مسکن را تشدید کرده است. اگر دولت قصد دارد این طرح را از مسیر شکست خارج کند، باید به رسالت اجتماعی خود بازگردد، ساختارهای مالی اصلاح کند و با شفافیت و مسئولیت‌پذیری، اعتماد ازدست‌رفته متقاضیان را بازیابد. در غیر این صورت، نهضت ملی مسکن به جای احیای مردم، به نمادی از ناکارآمدی در سیاست‌گذاری اجتماعی بدل خواهد شد.

نهضت ملی مسکن چند درصد مستأجران را خانه‌دار می‌کند؟



🔴 **تاخیر در روند اجرای نهضت ملی مسکن**

روند اجرای نهضت ملی مسکن،



شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان مازندران
(سایمانی خاص)

* آگهی مناقصه عمومی (یک مرحله ای)

مناقصه شماره ۸۲۲۳۹

شماره آگهی: ۲۰۲۵-۰۶۷
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۲۴

شرکت گاز استان مازندران در نظر دارد مناقصات جدول ذیل را بین پیمانکاران واجد شرایط و مشخصات و شرایط ذکر شده به روش مناقصه عمومی و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت بر گزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه و دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه کار و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سایمان) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد و لازم است مناقصه کار در صورت عدم عضویت قبل ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

ردیف	موضوع مناقصه	شماره در سامانه	مبلغ تضمین	مبلغ برآورد
۱	خرید و نگهداری و پشتیبانی بخش زیرساخت اکتیو - تجدید مناقصه	۲۰۰۴۰۹۱۵۷۸۰۰۰۱۵۵	۲,۷۵۰,۰۰۰,۰۰۰	-
۲	سرویس، تعمیر و کالیبراسیون کنتورهای توربینی گاز مازندران	۲۰۰۴۰۹۱۵۷۸۰۰۰۱۵۷	۹,۷۹۰,۲۵۰,۰۰۰	-

شرح مختصر کار:

- ۱- محل تامین تجهیزات؛ سایر منابع / منابع داخلی
- ۲- نوع تضمین فرایند ارجاع کار: تضمین معتبر براساس این نامه تضمین معاملات دولتی مصوبه هیات وزیران به شماره ۱۳۳۴۰۲/۱۳۳۴۰۲ مورخ ۱۳۹۴/۰۷/۲۴ و اصلاحات بعد از آن در خصوص کارهای پیمانکاری
- ۳- محل اجرای پروژه: در محدوده گاز استان مازندران
- ۴- تاریخ انتشار مناقصه در سامانه: ساعت ۱۰ صبح روز شنبه ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ می باشد.
- ۵- مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۷
- ۶- مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: ساعت ۱۰ صبح روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۷ ضمناً لازم است تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار تا پایان وقت اداری تحویل و درجبرخانه کمیسیون مناقصات ثبت گردد
- ۷- زمان بازگشایی پاکت ها: ساعت ۹:۰۰ روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۸
- ۸- مدت اعتبار پیشنهادها: سه ماه می باشد و این مدت حداکثر برای یکبار قابل تمدید است.
- ۹- ضمناً: هرگونه تغییر در زمان های یاد شده از طریق سامانه اعلام می گردد.
- ۱۰- عضویت مناقصی:
- ۱۱- شرایط در نظام صنفی رایانه ای و همچنین شورای عالی انفورماتیک (حاصل رتبه ۳ شبکه ها و رتبه ۳ خدمات پشتیبانی) برای ردیف ۱ و قرار داشتن در دستور لیست شرکت نفت در خصوص تعمیر کنتورهای توربینی برای ردیف ۲
- ۱۲- داشتن توانایی ارائه تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار و انجام تعهدات طبق ضوابط کارفرما
- ۱۳- داشتن کد اقتصادی از وزارت اقتصادی و دارایی
- ۱۴- ثبت نام و اخذ کد اطلاع رسانی پایگاه ملی مناقصات با مراجعه به سایت <http://iets.mpong.ir>
- ۱۵- ارائه صورتهای مالی حسابرسی شده منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۲۹ برای پیشنهادها بالای ۱۰ برابر مبلغ معاملات توسط دبیر الزامی است. با رعایت ماده ۴ این نامه راهکارهای افزایش ضمانت اجرایی و تقویت حسابرسی، حداقل نصاب پیشنهاد دهنده در این مناقصه ها برای ردیف ۱ به هر تعداد مناقصه گر و برای ردیف ۲ سه مناقصه گر می باشد. (ملاک تعیین تعداد مناقصه گر، بعد از تأیید صحیح بودن محتویات پاکت های می باشد، قیمتهای متناسب با کالای ساخت داخل یا حداقل کیفیت ارائه گردد(در صورتیکه کالا مشابه تولید داخل دارد)
- ۱۶- متقاضینی که دارای شرایط مذکور در بند ۹ فوق بوده و آمادگی اجرای پروژه را دارند، می توانند در مهلت تعیین شده فوق الذکر جهت در یافت اسناد به سایت اعلام شده مراجعه نمایند.
- ۱۷- شرکت کنندگان در مناقصه، بیپاسبیت شماره ثابت و شماره فکس دفتر خود را در سامانه ستاد ارائه نمایند در غیر اینصورت مسئولیت عدم اطلاع رسانی در مواقع ضروری به عهده آن شرکت می باشد و حق هیچگونه اعتراضی نخواهند داشت.
- ۱۸- به پیشنهادات شرکت های دارای هیات مدیره مشترک موثر در انجام مناقصه تر تیب اثر داده خواهد شد.
- ۱۹- جهت اطلاع اطلاعات بیشتر در سایت شرکت گاز استان مازندران به آدرس www.nigc-mazandaran.ir
- ۲۰- با پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات کشور به آدرس <http://iets.mpong.ir> مراجعه نماید.
- ۲۱- اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه
- ۲۲- مرکز تماس: ۰۲۱-۴۱۳۳۴ و ۰۲۱-۵۷۸۹۵۰۰۰
- ۲۳- دفتر ثبت نام: ۰۲۱-۸۸۹۶۹۳۷۳ و ۰۲۱-۹۵۱۳۳۶۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۲۴



دفتر مرکزی

شماره ۲۰۲۶۵۰۲ : ۰۲۶۵۰۲

نوبت اول

مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی کیفی (یکپارچه) دو مرحله‌ای

اجرای طرح خدمات پشتیبانی، مشاوره‌ای و ... به دانش آموزان

تحت پوشش مقطع متوسطه دوم (بایه های دهم، یازدهم، دوازدهم و پشت کنکوری) رشته علوم انسانی

کمیته امداد امام خمینی (ره) ستاد مرکزی در نظر دارد فراخوان اجرای طرح خدمات پشتیبانی، مشاوره‌ای و ... به دانش آموزان تحت پوشش مقطع متوسطه دوم (بایه های دهم، یازدهم، دوازدهم و پشت کنکوری) رشته علوم انسانی به شماره ۰۳۰۰۰۵۰۳۰۰۰۱۱ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد.

متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعید زمانی:

مهلت دریافت اسناد فراخوان: تا ساعت ۱۲ روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۴.

مهلت ارسال پیشنهادات: تا ساعت ۱۲ روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۸.

نوع ضمانتنامه:

۱) اصل فیش واریز نقدی به حساب شماره ۰۳۶۴۲۵۸۲۲۹۰۰۸ به نام کمیته امداد امام خمینی (ره) نزد بانک ملی ایران.

۲) ضمانتنامه بانکی به نفع برگزار کننده مناقصه (کمیته امداد امام خمینی (ره)) با اعتبار ۳ ماهه بابت شرکت در مناقصه.

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه مبلغ ۱۵۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد که می بایست علاوه بر برگزاری در سامانه تدارکات الکترونیک دولت اصل آن نیز تحویل مناقصه گزار گردد.

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه:

تهران، میدان آزادی، ابتدای بزرگراه شهید لشگری، بعد از مجتمع شهید کفوری، ساختمان مرکزی کمیته امداد امام خمینی (ره)، طبقه ۷، اداره کل پشتیبانی، تلفن تماس ۲۳۹۰۲۴۰۲

م الف ۲۶۵۷

دفتر مرکزی کمیته امداد امام خمینی (ره)



SMS



Telegram



WhatsApp

0920 200 17 07

شماره اختصاصی روزنامه هفت صبح برای دریافت پیام متنی، تصویری و ویدئویی از طریق پیامک، تلگرام و واتس‌آپ

خیزش نسل زد

پس از نیال و ماداگاسکار، حالا نوبت به جنبش جوانان مراکش علیه حاکمیت رسیده است



خیزش ناگهانی جوانان، گویی به روندی جهانی تبدیل شده است. پس از موج اعتراضات در نیال و ماداگاسکار، این بار جوانان مراکش با شعله‌ور کردن جنبشی نو، خواستار تغییر شده‌اند. جنبش «نسل زی ۲۰۱۲» که از هفته‌ها پیش اعتراضات سراسری را در این کشور شمال آفریقا هدایت می‌کند، روز دوشنبه با انتشار بیانیه‌ای از هواداران خود خواست تا روز شنبه در شهرهای مختلف به تحصن‌های مسالمت‌آمیز بپیوندند. این گروه که از شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان تریبون خود بهره می‌برد، با شعارهای اخلاقانه و نمادهایی چون قلب‌های قرمز به نشانه همبستگی، خیابان‌های مراکش را به صحنه‌ای از امید و مطالبه‌گری بدل کرده است.

این جنبش که هویت بنیان‌گذارانش همچنان ناشناخته‌مانده، پس از بیش از دو هفته اعتراضات شبانه در سراسر مراکش، خواستار اصلاحات اساسی در نظام سلامت، آموزش و مبارزه با فساد شده است. جرقه این اعتراضات در اواخر سپتامبر زده شد، زمانی که مرگ هشت زن باردار حین عمل سزارین در بیمارستانی در شهر اکادیر، خشم عمومی را نسبت به وضعیت اسفناک بیمارستان‌های دولتی برانگیخت.

معتزمان همچنین به نابرابری‌های اقتصادی و نفوذ الیگارش‌ی در سیاست اعتراض دارند، از جمله ثروت هنگفت عزیز آخنوش، نخست‌وزیر و مالک گروه «اکوا»، که مالکیت شرکت سوخت‌رسانی «آفریکیا» را نیز در دست دارد.

اعتراضات که گاه با حضور صدها نفر برگزار شده، به طور معمول مسالمت‌آمیز بوده، هرچند در مواردی

با خشونت و تخریب همراه شده است. اوایل این ماه،

درگیری با نیروهای امنیتی به کشته شدن سه نفر و بازداشت ده‌ها نفر انجامید. جنبش «نسل زی ۲۰۱۲» همچنین خواستار تحریم برخی اهداف اقتصادی شده، بدون آنکه جزئیات مشخصی ارائه کند. در اعتراضات کازابلانکا، معترضان پلاکاردهایی علیه شرکت «آفریکیا» در دست داشتند که با شعارهایی چون «ثروت برای مردم، نه برای خواص» مزین شده بود. آخنوش، سومین فرد ثروتمند مراکش با ثروتی حدود ۱.۵ میلیارد دلار، از سوی معترضان به فساد

مالی متهم شده است.

این جنبش پیش از سخنرانی سالانه پادشاه محمد ششم در پارلمان، اعتراضات را به طور موقت متوقف کرد. پادشاه در سخنرانی خود، ایجاد شغل برای جوانان و بهبود نظام سلامت و آموزش را «اولویت» خواند، اما اشاراتی به جنبش اعتراضی نکرد. در این میان، تصاویر ویدئویی از رقص‌های گروهی معترضان در خیابان‌های رباط و سرودهای دسته‌جمعی در حمایت از عدالت، به نمادی از روحیه مقاوم و خلاق این جنبش بدل شده است.



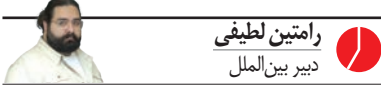
یواس‌ای تودی آمریکا، تیترو و تصویر اصلی خود را به تعطیلی اجباری برنامه‌های آموزشی مستر بیست، یوتیوب مشهور و پرطرفدار آمریکایی در دانشگاه‌های این کشور اختصاص داد.

گاردین آمریکا، عکس و تیترو اصلی خود را به تجمعات و اعتراضات روزافزون کهنه سربازان این کشور نسبت به خشونت مأموران اداره مهاجرت آمریکا علیه مهاجران اختصاص داد.

بیش از یک میلیارد نفر در جهان با چاقی زندگی می‌کنند

نبرد میان اراده و اشتها

بیل گیتس با هدف کاهش نابرابری، طرحی برای عرضه ارزان داروهای لاغری در کشورهای کم‌درآمد آغاز کرده است



رامتین لطیفی
دیر بین الملل

در حالی که داروهای کاهش وزن مانند «اوزمپیک»، «ویگووی» و «مانجارو» در کشورهای ثروتمند به پر فروش‌ترین نسخ‌های دارویی بدل شده‌اند، بیل گیتس، بنیان‌گذار مایکروسافت و مدیر یکی از بزرگ‌ترین بنیادهای خیریه جهان، چشم به سوی کشورهای کم‌درآمد دوخته است. او با همکاری «سازمان بهداشت پان‌آمریکن» (دفتر منطقه‌ای سازمان جهانی بهداشت در قاره آمریکا) طرحی را آغاز کرده تا داروهای لاغری را با قیمتی بسیار پایین‌تر در اختیار مردم فقیر قرار دهد. به گفته گیتس، نزدیک به ۷۰ درصد از جمعیت یک میلیارد نفری مبتلا به چاقی در کشورهای کم‌درآمد یا با درآمد متوسط زندگی می‌کنند. در بسیاری از این کشورها، فقر، تغذیه ناسالم، وابستگی به غذاهای فرآوری شده ارزان و کم‌تحریک ناشی از زندگی شهری باعث شده چاقی بر خلاف تصور موجود به بیماری فقرا تبدیل شود. در چنین شرایطی، داروهایی که در کشورهای غربی هر نسخه‌شان صدها

دلار قیمت دارد، برای اکثریت مردم جهان دست‌یافتنی است. بنیاد گیتس با

سابقه‌ای طولانی در دسترس‌پذیر کردن داروهای گران، اکنون به سراغ حوزه‌ای رفته که تاکنون بیشتر بالوکس‌گرایی و صنعت زیبایی‌گره خورده بود. او یادآور شده است که بنیادش پیش‌تر با تولیدکننده‌ای هندی، بر سر دارویی به نام «هترو» همکاری کرده تا داروهای ضد اچ‌آی‌وی را با قیمتی کمتر از ۴۰ دلار در سال در اختیار کشورهای فقیر قرار دهد؛ تجربه‌ای که حالا می‌تواند در حوزه داروهای ضد چاقی تکرار شود. سخنگوی بنیاد گیتس اعلام کرده است که پروژه‌های اولیه در این زمینه آغاز شده و تمرکز نخست بر داروهایی است که برای زنان مبتلا به «پایت بارداری» مناسب باشند، مشکلی که در کشورهای فقیر به دلیل تغذیه نامناسب و کمبود مراقبت‌های



پزشکی، روز به روز شایع‌تر می‌شود. از سال آینده نیز، با پایان یافتن ثبت اختراع ماده موثره سماگلوتاید یا همان ترکیب اصلی داروی ویگووی در چین و هند، امکان تولید نسخه‌های ژنریک فراهم می‌شود و این داروها به زودی در مقیاسی جهانی و با هزینه‌ای بسیار کمتر عرضه خواهند شد. ورود بنیاد گیتس به عرصه درمان چاقی، گامی تازه در تاریخ فعالیت‌های بشردوستانه اوست؛ چرا که تمرکز اصلی این بنیاد تا امروز بر بیماری‌های عفونی مانند مالاریا و فلج اطفال بوده است. گیتس تأکید کرده است که چاقی هرچند بزرگ‌ترین مشکل کشورهای فقیر نیست، اما به تدریج به تهدیدی فراگیر برای سلامت جهانی تبدیل می‌شود. تهدیدی که اگر مهار نشود تا پایان دهه جاری هزینه‌ای ۳ تریلیون دلاری بر اقتصاد جهان تحمیل خواهد کرد.

طرح متوقف‌شده لندن؛ چاقی علیه بهره‌وری در آن‌سوی اقیانوس اطلس، بریتانیا سال گذشته شاهد یکی از جنجالی‌ترین ابتکارات سلامت عمومی در دهه‌های اخیر بود؛ طرحی که قرار بود در آن داروهای چربی‌سوز به افراد

بیکار و چاقی تزریق گردد تا به گفته طراحان «بدن‌ها سبک‌تر و اقتصاد چابک‌تر» شود. وس استریتینگ، وزیر بهداشت وقت، اعلام کرد هدف از این طرح، بازگرداندن افراد بیکار به بازار کار و افزایش بهره‌وری ملی است. در چارچوب این برنامه، شرکت داروسازی لیلی، سازنده داروی معروف «مانجارو»، متعهد شد بخشی از سرمایه‌گذاری ۲۸۰ میلیون پوندی خود در بریتانیا را به اجرای این طرح اختصاص دهد. داروی مانجارو که در اصل برای درمان دیابت نوع دوم ساخته شده بود، در آزمایش‌ها توانسته بود وزن بیماران را تا ۲۰ درصد کاهش دهد؛ همین موفقیت موجب شد رسانه‌ها آن را «کینگ کنگ داروهای لاغری» بنامند.

قرار بود در نخستین مرحله، شهر منچستر به‌عنوان میدان آزمایش انتخاب شود تا داده‌های واقعی از تأثیر دارو بر انگیزه شغلی و بازگشت به کار جمع‌آوری گردد. ایده دولت این بود که کاهش

رد دو فوریت طرح مخالفت با CFT در مجلس

نمایندگان راه تعامل را برگزیدند

رای اخیر را می‌توان گامی تعیین‌کننده در عبور از بالاتکلیفی مالی و شفاف‌سازی روابط اقتصادی کشور دانست



استانداردهای FATF نه تنها هیچ دستاورد سیاسی ندارد، بلکه به افزایش هزینه‌های اقتصادی و محدودیت‌های تجاری کشور منجر می‌شود. رای منفی مجلس به دو فوریت طرح یادشده را باید در همین چارچوب ارزیابی کرد. شکست جریان تندرو در تصویب این طرح، به‌ویژه پس از تلاش‌های پرسروصدا برای جمع‌آوری امضا، جلوه‌دهنده نشوری، به تدریج به این جمع‌بندی رسیده‌اند که موضوع FATF و لوابج چهارگانه مرتبط با آن باید از مسیر تعامل و حل‌وفصل نهایی عبور کند. برخی از نمایندگان در چند سال اخیر با تکیه بر شعارهای ایدئولوژیک و گاه امنیتی، کوشیده‌اند تصویب CFT را به معنای «پوستن به شبکه غربی» یا «خودتحریمی» جلوه دهند. اما تحولات اقتصادی کشور، فشارهای بانکی و دشواری‌های نقل و انتقال مالی در سطح بین‌المللی به خصوص بعد از بازگشت تحریم‌های شورای امنیت، عملاً این استدلال‌ها را از کار انداخته است. اکنون بخش قابل‌توجهی از بدنه تصمیم‌گیری کشور به این نتیجه رسیده است که ادامه تعلل در پذیرش

خارج نکند. تجربه سیاسی ایران نشان داده است که هرگاه جریان‌های تندرو در فرایند رسمی قانون‌گذاری ناکام می‌شوند، تلاش می‌کنند با ابزارهای رسانه‌ای و فشارهای سیاسی، معادله را در بیرون از صحن پارلمان تغییر دهند. در روزهای آینده احتمالاً شاهد افزایش مواضع تند، مصاحبه‌های هشدارآمیز و طرح ادعاهای جدید درباره «مخاطرات امنیتی» FATF خواهیم بود. این جریان سیاسی، که از نظر گفتگمانی به تقابیل ایدئولوژیک با نهادهای بین‌المللی باور دارد، ممکن است با شدت بیشتری بر دولت و مجمع تشخیص فشار وارد کند تا روند بررسی لوابج را کند یا متوقف سازند. با این حال، توازن قدرت کتونی و تشنه‌های روشنی که از بدنه مجلس و سایر نهادهای تصمیم‌گیر دیده می‌شود، حاکی از آن است که راه بازگشت به گذشته چندان هموار نیست. واقعیت آن است که اقتصاد ایران دیگر تاب تحمل بالاتکلیفی در حوزه ارتباطات مالی جهانی را ندارد و حتی طیف‌هایی از جریان‌های اصولگرا نیز به ضرورت ساماندهی این وضعیت اذعان دارند.

در عین حال، نباید از یک خطر غافل شد که تندروها ممکن است با تشدید فضای تقابل، تلاش کنند تصویری از «هواگانی در حاکمیت» بسازند تا هزینه سیاسی تصمیم‌نهایی در خصوص FATF، بالا ببرند. چنین سناریویی، اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت جنجال‌آفرین باشد، اما در بلندمدت قادر به تغییر مسیر تصمیم‌گیری نخواهد بود؛ زیرا امروز دیگر مسئله FATF فا یک موضوع فنی یا بانکی نیست، بلکه به نمادی از کارآمدی یا ناکارآمدی سیاست داخلی در عرصه جهانی بدل شده است. بنابراین، شکست اخیر در مجلس نه پایان کار، بلکه آغاز مرحله‌ای تازه از جدال درونی میان دو قرائت از منافع ملی است. قرائتی که هنوز بر «انزوا و تقابل» اصرار دارد و قرائتی که می‌خواهد از «تعامل مشروط» به‌عنوان راهی برای خروج از بن‌بست اقتصادی استفاده کند. آینده این مناقشه، به تدریج، بر مسیر سیاست خارجی و حتی ثبات اقتصادی کشور تأثیرگذار خواهد بود.

احتمال ورود تندروها به فاز تهاجمی‌تر اما شکست تندروها در مجلس، هرچند به لحاظ نمایان‌مهم است، ممکن است آنان را از میدان

گزارش

تحلیل تصمیم عراقچی درباره غیبت ایران در نشست شرم‌الشیخ
میز خالی تهران

حسین فاطمی |عباس عراقچی، وزیر امور خارجه در تازه‌ترین اظهارنظر خود درباره علت عدم حضور ایران در اجلاس «شرم‌الشیخ» مصر، موجی از واکنش‌ها و نقدهای گسترده در محافل سیاسی و رسانه‌ای برانگیخته است که همچنان ادامه دارد. وی با مداد دوشنبه ۲۱ مهر در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «ایران از دعوت رئیس‌جمهور السیسی برای حضور در نشست شرم‌الشیخ سپاسگزار است. با وجود تمایل به تعاملات دیپلماتیک، نه رئیس‌جمهور یزشکیان و نه من نمی‌توانیم با کسائی وارد تعامل شویم که به مردم ایران حمله کرده‌اند و همچنان ما را تهدید و تحریم می‌کنند.» او در ادامه افزود: «با این حال ایران از هر ابتکاری که به نسل‌کشی اسرائیل در غزه پایان دهد و به اخراج نیروهای اشغالگر منجر شود، استقبال می‌کند. فلسطینیان کاملاً محق هستند که حق اساسی تعیین سرنوشت خود را به دست آورند و همه کشورها وظیفه دارند از این خواسته مشروع حمایت کنند.» این سخنان در شرایطی مطرح می‌شود که در یکصد و هجدهمین جلسه هیئت دولت، عراقچی گزارشی از دعوت رسمی مصر برای شرکت رئیس‌جمهور کشورمان در اجلاس شرم‌الشیخ و پاسخ منفی ایران ارائه کرده بود. هرچند سخنگوی وزارت خارجه، اسماعیل بقایی نیز این تصمیم را «نتیجه بررسی‌های کارشناسی» توصیف کرده، اما مجموعه اظهارات عراقچی و بقایی نه‌تنها منتقدان داخلی را قانع نکرد، بلکه بر ابعاد ابهام و تناقض‌های آشکار در منطق تصمیم‌گیری دستگاه دیپلماسی افزوده است.

استدلالی که تاریخ آن را نقض می‌کند

نکته کلیدی در سخنان عراقچی تأکید او بر این بود که «نمی‌توان با کشورهای که به مردم ایران حمله کرده‌اند وارد گفت‌وگو شد». این جمله در نگاه نخست شاید نشانه‌ای از اقتدار و پابندی به اصول ملی به نظر آید، اما در بررسی دقیق‌تر نه تنها از منطق دیپلماتیک بر خوردار نیست بلکه با شواهد تاریخی و رفتار سیاسی جمهوری اسلامی ایران نیز در تضاد آشکار است. در فضای مجازی، کاربران بسیاری با انتشار تصاویر و اسناد تاریخی ادعای عراقچی را زیر سوال برده و با نمایندگان و مقامات رژیم بحث عراق دیدار داشته‌اند؛ همان رژیمی که هشت سال تمام خاک ایران را زیر آتش توپخانه گرفت، از سلاح شیمیایی علیه شهروندان ایرانی استفاده کرد و هزاران نفر از فرزندان این سرزمین را به شهادت رساند. با وجود آن همه جنایات، ایران نه‌تنها از مسیر گفت‌وگو روی‌گردان نشد، بلکه در نهایت در چارچوب سازمان ملل و قطعنامه ۵۹۸ با همان دشمن خونین وارد مذاکره شد تا آتش‌بس و صلحی پایدار رقم بخورد.

حال پرسش اساسی این است که اگر منطق تعامل با دشمن درپرز، در زمان صدام و طالبان پذیرفته شد، چگونه است که امروز گفت‌وگو با طرف‌های آمریکایی یا غربی در قالب یک نشست منطقه‌ای، ناگهان خلاف مصالح مردم توصیف می‌شود؟ آیا منافع مردم ایران در دوران مذاکره با بعثی‌ها یا طالبان تهدید نشده، اما در شرم‌الشیخ تهدید می‌شود؟ واقعیت این است که فاکتور عدم حضور در نشست شرم‌الشیخ را نمی‌توان به نام مردم نوشت. مردم ایران، آن‌گونه که تاریخ نشان داده است، همواره هوشمندانه تفاوت میان «سلیسم» و «تعامل» را درک کرده‌اند. آنچه در کلام وزیر امور خارجه به‌عنوان پرهیز از گفت‌وگو با دشمن معرفی می‌شود، در عمل چیزی جز فقدان ابتکار، انفعال دیپلماتیک و گریز از مسئولیت تاریخی نیست. بر ایند تمامی اظهارات و تصمیمات اخیر وزارت خارجه، نشان می‌دهد که دستگاه دیپلماسی کشور بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازنگری در منطق تصمیم‌گیری خود است. سیاست خارجی نه عرصه تعارف و شعار، بلکه میدان تصمیمات هوشمندانه و بر پایه شناخت واقعیت‌های زمانه است.

شکست تندروها و نشانه‌ای از اراده کل نظام برای حل مسئله FATF

تصویب نشدن دو فوریت طرح تندروها، صرفاً

گفت‌وگو با سهیل محمودی درباره ناصر تقوایی و آثارش

معلمی بی ادعا و سینماگری آرمان‌خواه

● تقوایی کارش را با مستندهایی مثل «تاکسی‌متر»، «باد جن» و «اربعین» آغاز کرد و با نگاهی دقیق و شاعرانه به زندگی روزمره مردم، نشان داد سینما می‌تواند فراتر از سرگرمی، وسیله‌ای برای روایت انسان‌ها باشد

● ادبیات، زیست‌ذهنی ناصر تقوایی بود

در تحلیل جایگاه ناصر تقوایی در سینمای ایران، نمی‌توان از نسبت‌بنیادین میان ادبیات و فیلمسازی عبور کرد؛ نسبتی که به باور محمودی، بسیاری از فیلمسازان موثر نیم‌قرن اخیر از دل آن برآمده‌اند: «بسیاری از فیلمسازان موفق پنجاه سال اخیر، مستقیماً از بستر ادبیات برخاسته‌اند. تجربه نوشتن و زیست ادبی، بنیان‌گذار نگاه مؤلف در سینمای آنان بوده است.»

سهیل محمودی شاعر سرشناس در گفت‌وگویی اختصاصی با هفت صبح با اشاره به نمونه‌هایی مانند ابراهیم گلستان، بهرام بیضایی و حتی محسن مخملباف، تأکید می‌کند که ناصر تقوایی نیز بی‌تردید بخشی از همین جریان فکری و فرهنگی است: «آغاز کار تقوایی با ادبیات بود. اولین اثرش مجموعه داستانی با عنوان عاشورا در پاییز بود که در سال ۱۳۴۸ منتشر شد. این سابقه ادبی در سراسر آثار او حضور دارد؛ به‌ویژه در دقت و ظرافتی که در روایت، شخصیت‌پردازی و توجه به جزئیات زندگی روزمره دیده می‌شود.»

محمودی به‌طور خاص از مجموعه تلویزیونی «دایی جان ناپلئون» به‌عنوان نمونه‌ای درخشان از این رویکرد یاد می‌کند: «این سریال بر پایه رمانی از ایرج پزشک‌زاد ساخته شده، اما تقوایی با دقت در حفظ روح اثر و پرداخت بصری‌اش، آن را به نمونه‌ای بی‌بدیل از اقتباس موفق در تاریخ تلویزیون ایران بدل کرد.»

تحلیل سهیل محمودی به فیلم «کاغذ بی‌خط» نیز می‌رسد. اثری که به گفته او، نشانه‌ای دیگر از «تفکر ساخت‌یافته و زیست ادبی» تقوایی است: «کاغذ بی‌خط با نگاهی عمیق به زندگی شهری، دغدغه‌های روزمره و درونیات انسان معاصر ساخته شده است. این نگاه، حاصل سال‌ها زندگی در جهان ادبیات است.» سهیل محمودی در ادامه به تجربه شخصی‌اش از مواجهه با تقوایی اشاره می‌کند:

«آنچه از نزدیک در تقوایی دیدم، تأکید همیشگی‌اش بر ادبیات بود. برای او ادبیات منبع الهام و افق فکری و زیست ذهنی بود. علاقه‌اش به ادبیات کلاسیک فارسی، از گلستان و بوستان تا کلیله و دمنه و متون حکمی و عرفانی، کاملاً مشهود بود.» از دید او، این پیوند با ادبیات، در نحوه اقتباس‌های تقوایی نیز به‌خوبی آشکار است. چه در آثاری که خودش نوشته و چه در اقتباس‌هایی از متون دیگر، همیشه به اصالت منبع وفادار بوده و در عین حال با نگاه شخصی خود، اثری تازه و زنده خلق کرده است. محمدی توضیح می‌دهد: «کسانی که رمان دایی جان ناپلئون را خوانده‌اند، درک می‌کنند که سریال تقوایی صرفاً ترجمه‌ای تصویری از متن نیست. او اثر را با زعفرینی کرده، شخصیت‌ها را جان بخشیده و فضایی خلق کرده که به متن وفادار است اما آن را ارتقا می‌دهد.»

او همچنین به فیلم «ناخدا خورشید» اشاره می‌کند؛ اقتباسی از رمان داشتن و نداشتن ارست همینگوی که به گفته محمودی، در جنوب ایران با زعفرینی شده و با حفظ ساختار روایی اثر اصلی، به‌اثری بومی، ایرانی و منحصر به‌فرد

● تقوایی؛ معلمی بی ادعا، سینماگری آرمان‌خواه

سهیل محمودی از وجوه کمتر دیده‌شده شخصیت این فیلمساز بزرگ می‌گوید: از تقوایی‌ای که شاید بیش از آنکه در قالب سینما خلاصه شود، در منش و نگاهش زنده بود: «او انسانی بود راست‌گو، پاک‌نهاد و آرمان‌خواه. با ناراستی، سطحی‌نگری و ابتذال سازگاری نداشت. شاید همین وفاداری‌اش به اصول انسانی بود که باعث شد در سال‌های پایانی عمر هنری‌اش، دیگر فعالیتی نکند.»

به باور او، آخرین فیلم تقوایی، کاغذ بی‌خط، نقطه‌ای بود که پس از آن، کارگردان نتوانست خود را با شرایط مسلط بر تولید فیلم در ایران وفق دهد: «فضای سینمایی آن دوران با ارزش‌های شخصی او در تضاد بود. در آن فضا، ظاهر و باطن سازندگان و آثار هم‌خوان نبود. این شکاف، برای کسی مثل تقوایی قابل تحمل نبود.» سهیل محمودی وجه مهم دیگری از شخصیت تقوایی را ویژگی معلم‌گونه‌اش می‌داند: «او نه فقط یک فیلمساز، بلکه آموزگاری بی‌ادعا و موثر هم بود. دارای یک نظام فکری خاص که بر پایه اصول انسانی شکل گرفته بود و با همان اصول زندگی می‌کرد. در مواجهه با دیگران، دانسته‌ها و تجربه‌هایش را بی‌دریغ منتقل می‌کرد. انتقال دانش برایش لطف یا امتیاز نبود، بلکه یک وظیفه اخلاقی بود.»

او تأکید می‌کند که در فضای هنر، بزرگ‌ترین شخصیت‌ها کسانی‌اند که بتوانند خود را در دیگران بازتولید کنند؛ و ناصر تقوایی، از همین دست بود: «تقریباً همه کسانی که در سینما با او همکاری کرده‌اند از آموزش مستقیم یا غیرمستقیم بهره برده‌اند. او انسانی جدی، دقیق و سخت‌گیر بود. هیچ چیز سطحی و نیم‌بند را نمی‌پذیرفت.» سهیل محمودی در پایان به وجه حرفه‌ای تقوایی اشاره می‌کند که در تمام آثارش نیز بازتاب یافته است: «این جدیت همراه با مهریانی بخشی جدایی‌ناپذیر از شخصیت هنری او بود. اگر آثارش هنوز هم زنده‌اند، به‌خاطر همین دقت و سخت‌گیری در کار است.»

ناصر تقوایی از میان مارفت: فیلم‌سازی

که بسیاری او را ستون اصلی موج نو سینمای ایران می‌دانند. ۲۲ تیر ۱۳۲۰ در آبادان به دنیا آمد و پس از ۸۴ سال زندگی پر فراز و نشیب، روز ۲۲ مهر ۱۴۰۴، پس از سال‌ها مبارزه با بیماری، در بیمارستان نیکان تهران درگذشت. شروع کارش با مستندهای اجتماعی و مردمی بود: «تاکسی‌متر»، «باد جن» و «اربعین» نمونه‌هایی از نگاه دقیق و شاعرانه‌اش به جزئیات زندگی روزمره مردم بودند. او سینما را فراتر از ابزاری برای سرگرمی و در واقع، راهی برای گفتن قصه‌های آدم‌هایی می‌دید که معمولاً صدایشان شنیده نمی‌شد.

شاید «دایی جان ناپلئون» مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین کارش باشد. سریالی که هنوز بعد از دهه‌ها حس و حال ایران آن زمان را زنده می‌کند و تبدیل به بخشی از فرهنگ جمعی ما شده است. این سریال فراتر از یک داستان بود؛ تصویری از جامعه‌ای درگیر سنت‌ها، عادت‌ها و تناقض‌های خود. اما تقوایی فقط یک کارگردان تلویزیونی نبود. فیلم‌هایش مثل «ناخدا خورشید» و «آرامش در حضور دیگران» نشان دادند که او دنبال یک سینمای متفاوت و شخصی است. «ناخدا خورشید» که جایزه مهمی در لوکارنو گرفت، تصویری است از تنهایی و قدرت، یک داستان ملتپه و پر از نماد که هنوز بعد از سال‌ها حرف برای گفتن دارد. او در دهه‌های بعد هم از فضای اجتماعی دور نشد: «ای ایران» با دغدغه هویت ملی و «کاغذ بی‌خط» با تمرکز بر بحران‌های عاطفی، نشانه‌هایی از نگاه خاص او به دنیای پیرامونش هستند.

در سال‌های آخر زندگی‌اش، تقوایی دور از هیاهوی سینما و رسانه‌ها، در سکوت زندگی می‌کرد. شاید دلش از شرایط سینمای ایران گرفته بود، شاید هم فقط خواست دور از چشم‌ها باشد. او هیچ‌وقت آدم سنازش‌پذیری نبود و همیشه در برابر جریان‌های تجاری و سطحی سینما مقاومت کرد.

ناصر تقوایی به ما یاد داد که سینما می‌تواند یک تجربه انسانی، با همه پیچیدگی‌ها و زیبایی‌هایش باشد. او برای خودش و ما، پلی بود میان ادبیات و سینما. کسی که قصه‌های بزرگ را از دل زندگی‌های کوچک بیرون کشید. حالا که او نیست، جای خالی‌اش در سینمای ایران حس می‌شود، اما این فیلم‌ساز، نویسنده و عکاس همچنان در قاب‌های بی‌شماری که ساخت زنده است.

خدا حافظ استاد

پرچم‌دار

صداقت

در سینما

ایلیا محمدی‌نیا
منتقد

ناصر تقوایی به تقویم رسمی روز سه‌شنبه ۲۲ مهرماه ۱۴۰۴ برای هفتمین چشم از دنیا بست و راهی سفری شد که گریزی از آن نیست. اگرچه امروز جشنش برای همیشه سرد شد اما آنانی که کمی اخبار سینمای ایران را دنبال می‌کنند، می‌دانند که او درست بهمن‌ماه ۱۳۸۰ تصمیم گرفت که بمیرد وقتی که فضا را برای ساختن و تولید فیلم مناسب ندید. در آیین اختتامیه جشنواره بیستم فیلم فجر وقتی که فیلم آخرش «کاغذ بی‌خط» از جانب هیئت داوران فهم‌نشد و از دریافت جایزه ویژه هیئت‌داوران جشنواره و سیمرغ بلورین این بخش چشم‌پوشی کرد و نوشت: «استدعا دارم از پذیرفتن تندیس بلورین سیمرغ اهدایی و همچنین حواله نوبت برای خرید پراید بنده را معذور بدارید. با شرمندگی از یک به یک داوران عادل‌ی بهترین نیات خیرشان نصیب کار من شد به اطلاع می‌رسانم که در جیب من نه برای خرید اتومبیل پولی هست و نه در خانه تنگ و کوچک من جای مناسبی برای نگهداری بهترین و بزرگ‌ترین جایزه‌ها؛ مخصوصاً اگر ویژه هم باشند.»

او درست همان روزی مرد که دیگر نتوانست فیلم بسازد؛ دو فیلم نیمه تمام «جای تلخ» و «رومی و زنگی» سندی است بر این ادعا که می‌خواست فیلم بسازد و نشد؛ در فیلمسازی ادامه حیات بدهد و مرد. او بعدها تا همین روز سه‌شنبه ۲۲ مهرماه ۱۴۰۴ دیگر همین مقدار هم تلاش نکرد و جسم کم جانش دچار مرگ‌نشد. وقتی فیلمسازی توانمند و عاشق سینما امکان فیلمسازی نداشته باشد یا می‌میرد یا از خانه آبا و اجدادی‌اش کوچ می‌کند و به غربیستانی می‌رود که شاید ادامه دهد. کاری که استاد بهرام بیضایی کرد و کاری که استاد ناصر تقوایی نکرد و مرگ خود خواسته‌ای را در آغوش گرفت وقتی که دیگر نتوانست فیلم بسازد و او همان روزهای بهمن در اختتامیه جشنواره بیستم فیلم فجر تصمیم گرفت که بمیرد وقتی که ایمان داشت که دیگر نخواهد توانست فیلم بسازد.

شاید کمال‌گرایی و سخت‌گیری او را در فیلمسازی علت عدم این امر بیان کنند. چنان‌که ابراهیم حاتمی‌کیا اشاره کرد: «استاد بیضایی کم فیلم ساخت و همه آن هم به خاطر ممیزی نبود. کسانی مثل بیضایی و تقوایی فیلم‌های سنگین می‌سازند و سخت می‌سازند. بنابراین تهیه‌کننده هم به سختی به سمت آنها می‌رود.» اما حقیقت ماجرا این است که همیشه برای «فیلم‌های سنگین» که حاتمی‌کیا اشاره کرده است سرمایه هست اما اعتماد نیست که خودی و ناخودی همیشه رخ نشان می‌دهد و این حقیقت تلخ است. ناصر تقوایی، فیلمساز کمال‌گرا، امروز رفت، اما آثارش، همان قاب‌های زنده، هنوز سخن می‌گویند و یاد او، به اندازه فیلم‌های نیمه‌تمامی که نشد بسازد، جاودان خواهد ماند.



بازیکنان تیم ملی ایران در زمین ارتباط کافی برقرار نمی کنند، همان مشکلی که میکل آرتتاسر مربی آرسنال با آن مواجه است

تمرین آرسنال باخلبانان جنگنده



نحوه ارتباط آن‌ها مسئله مرگ و زندگی است. من مطمئنم که اگر یک کلمه کفایت کند، آنها از ۲۰ عبارت یا ۲۰ کلمه استفاده نمی کنند. آن‌ها نمی گویند «نه، باد از این سمت می آید، حالا باید به چپ بپیچی» زیرا در آن صورت بوم، مرگ، پس آن پیام، یک کلمه خواهد بود.»

برای این حرکت توضیح داد.

آرتتا برای توضیح چرایی انتخاب خلبانان جنگنده گفت: «من به دنبال اینم بودم که بهترین‌ها در زمینه ارتباطات چه کسانی هستند؟ خلبانان جنگنده بریتانیایی، به عنوان مثال، بااین افراد تماس خواهیم گرفت، زیرا

به نظر می‌رسد یکی از مشکلات بازیکنان تیم ملی داخل زمین، کم حرف زدن و برقرار نشدن ارتباط لازم بین آنها باشد.

حرف زدن یا ارتباط خوب برقرار نکردن یک مشکل اساسی در برخی تیم‌های بزرگ است. به طور نمونه می‌توان به آرسنال آرتتا اشاره کرد.

میکل آرتتا، سرمربی آرسنال که به استفاده از متدهای مدیریتی و تمرینی غیر متعارف برای تقویت جنبه‌های روانی و ذهنی تیمش شهرت دارد، بار دیگر با یک ابتکار جنجالی خبر ساز شده است.

او قصد دارد از خلبانان جنگنده نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا (RAF) برای شرکت در تمرینات و آموزش بازیکنان استفاده کند.

این تصمیم غیرمعمول در جریان نشست «بهتر رهبری کن، بهتر زندگی کن ۲۰۲۵» (Lead ۲۰۲۵ Better, Live Better Summit) توسط آرتتا فاش شد. او در گفت‌وگو با مربیان مطرحی چون استیو کر (سرمربی افسانه‌ای بسکتبال گلدن استیت وریرز)، انگیزه خود را

خبر ویژه

تیم ملی، اسیر موج مصدومیت‌ها

بحران مصدومیت در اردوی تیم ملی به حدی است که سرمربی حتی تمرینات تاکتیکی کامل را نتوانست اجرا کند



به تیم ملی دعوت شده مصدوم است، محمدحسین کنعانی زادگان هم همین طور و قس علی هذا!

شاید حق با امیر قلعه‌نویی باشد؛ سرمربی تیم ملی ایران دوست دارد سردار آزمون و مهدی طارمی یکی از بهترین و شاید بهترین زوج تهاجمی خط حمله در آسیا را در بازی با تانزانیا در اختیار نداشت.

مهدی قایدی یکی از بهترین دریل زنان ایران، امارات و آسیا هم مدت‌هاست با آسیب دیدگی دست و پنجه نرم می‌کند و محمدحسین کنعانی‌زادگان مدافع فیکس تیم ملی هم همین طور!

علی‌قلی‌زاده که می‌توانست در زمان ناامادگی علیرضا جهانبخش به راحتی جای او را پر کند هم وضعیت مشابهی در لیگ لهستان دارد و همه این موارد را که با هم جمع می‌زنیم به یک بحران می‌رسیم. بحرانی که امیدواریم همچون جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان گریبان تیم ملی ایران را نگیرد.

این تعداد از مصدومان در تیم ملی ایران بسیار نگران کننده است؛ اینکه چرا بازیکنان ایرانی این قدر مصدوم می‌شوند؟ در لیگ برتر هم این حکایت صادق است و وحید هاشمیان با مشابه همین مشکل دست و پنجه نرم می‌کند.

دعوت به تیم ملی و بازی برای تیم ایران، برای هر بازیکنی در کشورمان

افتخار بزرگی است. این موضوع شامل حال همه بازیکنان می‌شود. باوجود این شاید، مربیان باشگاهی، همیشه دلیلی برای خوشحالی از حضور بازیکنانش

در تیم‌های ملی مختلف نداشته باشند. وحید هاشمیان هم شاید در این مقطع، احساس نگرانی کند. درست است که او می‌تواند به بالا رفتن روحیه و اعتماد به نفس ملی‌پوشانش در بازگشت به ایران امیدوار باشد؛ ولی باز دلالی که نگرانش می‌کند، بیشتر است. حسین ابرقویی مدافع فیکس پرسپولیس که به تازگی

تیم ملی ایران در حالی دیشب برابر تیم ملی تانزانیا در یک بازی دوستانه به میدان رفت که مهدی طارمی کاپیتان و ستاره خودش را در اختیار نداشت.

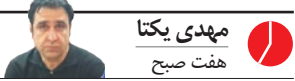
مصدومیت مهدی طارمی خبر بدی برای امیرقلعه نویی بود چرا که پیش از این سردار آزمون را نیز به دلیل مصدومیت در تمرینات تیم شباب الاهلی از دست داده بود.

سرمربی تیم ملی به قدری از این بدبینی‌های متوالی ناراحت بود که در کنفرانس خبری قبل از بازی با تانزانیا و در پاسخ به پرسش نماینده اعرامی هفت صبح به امارات، در خصوص همین موضوع اظهار داشت: «برای حضور در جام جهانی باید تیم کاملی در اختیار داشته باشیم، اما می‌بینیم بازیکنانی مثل سردار آزمون، مهدی قایدی، سیدحسین حسینی، علی قلی زاده، مجید حسینی، محمدحسین کنعانی‌زادگان، مهدی محبی، محمد کریمی و ... مصدوم هستند.»

گفت و گو با مهدی قایدی ستاره بوشهری النصر امارات

فیفادی بعدی می توانم در خدمت تیم ملی باشم

در امارات اصلا مصاحبه نمی کنم، البته رسانه‌های اماراتی به من لطف دارند



دوشنبه شب گذشته مهدی قایدی، ستاره مصدوم تیم النصر امارات به محل تمرین تیم ملی ایران پیش از بازی دوستانه با تانزانیا رفت و با کادر فنی و اعضای تیم به گفت‌وگو و خوش‌وشش پرداخت.

او مقابل دوربین خبرنگاران ایرانی قرار گرفت و با آن‌ها گفت‌وگو کرد. سپس روی سکو رفت و کنار ابوالفضل جلالی، پیشکسوت مطبوعاتی مقیم امارات نشست. من نیز بالای سر آن‌ها حضور داشتم و چند سؤال کوتاه

از ستاره بوشهری

پرسیدم.

از مهدی قایدی پرسیدم که ارتباطات با خبرنگاران اماراتی



حوادث

پزشک سرشناس به اتهام قتل برادرش محکوم به قصاص شد

چرخ گوشت مرگ

اختلاف مالی میان برادران پزشک، زمینه قتل و فساد شد



فاطمه شیخ علیزاده

دبیر حوادث

اواخر آذر ۱۴۰۱ خبر ناپدید شدن پزشک سرشناس تهرانی، «حمید»، به اداره پلیس تهران رسید. همسرش در حالی گزارش ققتان او را ارائه داد که هیچ نشانه‌ای از محل رفت‌وآمدش باقی نمانده بود. ماموران اداره آگاهی با بررسی روابط خانوادگی و کاری این پزشک دریافتند که مدتی پیش میان او و برادرش «صابر» که او نیز پزشک شناخته‌شده‌ای بود اختلاف مالی شدیدی وجود داشته است.

در جریان بررسی‌ها، ماموران به مطبی تازه اجاره شده در خیابان فرشته رسیدند که متعلق به صابر بود. منشی مطب، جوانی ۲۴ ساله به نام «فرزین»، در بازجویی‌های اولیه سکوت کرد، اما سرانجام در برابر شواهد لب‌گشود و به مشارکت در قتل حمید با همدستی برادر او اعتراف کرد. او گفت جسد پزشک ناپدید‌شده پس از قتل مثله و در نقاط مختلف شهر پراکنده شده است.

انگیزه پنهان

تحقیقات نشان داد صابر در ماه‌های پیش از قتل قصد نامزدی در انتخابات مجلس را داشته و حمید هزینه‌های تبلیغاتی او را تأمین کرده بود. با رد صلاحیت صابر، برادرش خواستار بازگرداندن مبلغ پانصد میلیون تومان شد؛ موضوعی که درگیری لفظی و سپس خصومت شدید میان دو برادر انجامید.

فرزین در اعترافاتش گفت که با دستور صابر، حمید را با وعده اجاره ملکی مناسب برای تأسیس مرکز درمانی کودکان به مطب کشانده است. پس از ورود به مطب، صابر با اسلحه ساچمه‌ای به برادرش شلیک کرد و سپس با تزریق داروی بی‌هوشی، او را برای سه روز در اتاقی محبوس نگه داشتند تا از وی ده‌ها امضا و سند مالی بگیرند.

فرزین گفت: «پس از سه روز، صابر گفت باید او را از میان برداریم. رگ‌های دست و پایش را زدیم و وقتی مطمئن شدیم نفس نمی‌کشد، جسد را تکه‌تکه کردیم و بقایایش را از بین بردیم.»



شاهد گفت: «صابر خودش به قتل برادرش اعتراف کرد و از من خواست با همدستش تماس بگیرم و بگویم قتل را به گردن بگیرد تا او رضایت بگیرد».

در برابر این شهادت، وکیل اولیای دم تأکید کرد که از نظر موکلانش هر دو نفر در وقوع جنایت نقش مستقیم داشته‌اند و تقاضای قصاص هر دو را مطرح کرد.

فرزین در این مرحله اعترافات قبلی خود را انکار کرد و گفت: «اقرار من تحت فشار و در شرایطی بود که داروهای بیماری‌ام قطع شده بود. صابر نفوذی که داشت بارها افراد مختلف را برای تهدید من فرستاد تا قتل را گردن بگیرم.»

در مقابل، صابر نیز اظهارات شاهد را تکذیب کرد و گفت: «من این فرد را به‌سختی به خاطر می‌آورم، تنها به من و کیلی معرفی کرد که بعد از عزلش شروع به تهدید و درخواست پول کرد. اظهاراتش انگیزه مالی دارد.» او همچنین درباره چرخ گوشت صنعتی که در محل کشف شده بود گفت: «چرخ گوشت برای پخت غذا در کلاس آموزشی مطب بود، نه برای قتل.»

پس از پایان دفاعیات، هیات قضایی با بررسی شواهد و اظهارات شاهدان، صابر را به قصاص و فرزین را به ۱۵ سال حبس محکوم کرد.

نخستین محاکمه

در اولین جلسه دادگاه، پدر و مادر حمید خواستار قصاص هر دو متهم شدند. در این جلسه، فرزین جزئیات قتل را تشریح کرد و انگیزه خود را وعده پول و موقعیت شغلی از سوی صابر عنوان کرد. در مقابل، صابر اتهام قتل را رد کرد و مدعی شد برادرش بر اثر اقدام فرزین جان باخته است.

او گفت: «هدفم صحبت و حل اختلاف بود. وقتی با برادرم در گیر شدم، فرزین بدون اطلاع من به او دارو تزریق کرد. وقتی بالای سرش رفتم، دیر شده بود.» با وجود دفاعیات، دادگاه هر دو متهم را به قصاص محکوم کرد.

ورود شاهد جدید

اما حکم در دیوان عالی کشور نقض شد و پرونده برای رسیدگی دوباره بازگشت. در مرحله دوم محاکمه، فردی که مدعی بود در بازداشتگاه با صابر هم‌بند بوده، به عنوان شاهد در دادگاه حاضر شد و ورق تازه‌ای در این پرونده جنجالی گشود.

